

سر آغاز

رسیده است که حتی دقایقی پس از یک رویداد در نقطه‌ای از جهان، تنها به یاری اینترنت می‌توان از همه جزئیات اخبار مربوط به آن آگاه شد. اهمیت رسانه‌ها و تأثیر بسزایی که انواع آنها، بویژه روزنامه‌ها و شبکه‌های خبری ماهواره‌ای و اینترنتی بر سیاست‌گذاری دولت‌ها دارند، جامعه پژوهشگری و خبری جهان را بر آن داشته است که با برپایی و تأسیس پایگاه‌های گوناگون به تحقیق در این زمینه بپردازند.

«ما با تصاویری که رسانه‌ها از جرم‌ها، جنایات‌ها، روش‌های گوناگون اجرای قانون، جنگ و تروریسم نشان می‌دهند، محاصره شده‌ایم؛ اما این تصاویرها بر داشت رسانه‌ها در اذهان عمومی چه تأثیری دارد و این ذهنیت چگونه پدید آمده است؟

مرکز تحقیقات جدیدی به نام مرکز جنایت، مبارزه با تروریسم (C3M) به کاوش و پژوهش درباره این موارد پرداخته است. این مرکز که وابسته به دانشکده «رسانه، هنر و جامعه» در دانشگاه ساوهمپتون (Southampton) انگلستان است، کار خود را از بیست و هفتم فوریه ۲۰۰۳ به طور رسمی آغاز کرده است و استادان این دانشکده اعضای هیأت علمی کمیته‌ای هستند که ریاست آن را دکتر پیل میسن (Paul Mason) جرم‌شناس بر عهده دارد.

این مرکز قصد دارد اطلاعاتی در مورد روش‌هایی در زمینه جرم، جنایت و رسانه و نیز آثار متقابل آنها بر یکدیگر باشد. نکته در خور توجه و معتبر دیگر این است که این مؤسسه در رشته جرم‌شناسی و رسانه، به دانش‌آموختگان خود مدرک کارشناسی می‌دهد. هدف اصلی این مرکز تقویت یک نظم بین‌المللی برای انگلستان و دیگر کشورها، با هدف برگزاری کنفرانس‌هایی درباره تروریسم و رسانه و برگزاری سمینارها و چاپ مطالبی در این موارد است.

دکتر میسن در گزارشی خطاب به سازمان ملل گفته است: «این یک فرصت استثنایی است. روز به روز شمار فرهنگستان‌هایی که درباره تأثیر طبیعت، قانون و رسانه بر جنگ و تروریسم تحقیق می‌کنند، افزوده می‌شود.»

این مرکز که هدف آن گردآوری پژوهشگران و تحقیقات آنهاست، اکنون دست‌اندر کار آماده‌سازی دو کتاب برای چاپ و برنامه‌ریزی یک کنفرانس با شکوه با موضوع «رسانه و تروریسم» با همکاری تنی چند از سخنرانان خبره جهان است. دکتر میسن

در عصر حاضر که «عصر سلطه‌آز تباطات» نامیده می‌شود، بی‌گمان در مورد همه مسائل جهان، بزرگترین رسالت اطلاع‌رسانی بر دوش رسانه‌های جمعی است. افزایش روز افزون شبکه‌های خبری ماهواره‌ای، روزنامه‌ها و کمیسیون‌های خبری از نقش مهم رسانه‌های جمعی در اطلاع‌رسانی حکایت دارد. موقعیت رسانه‌ها و اطمینان مخاطبان به آنها چنان است که گاه، خبرهای تحریف شده و مطالب به ظاهر پر اهمیت آنها در سراسر جهان به عنوان مهمترین بحث روز مطرح می‌شود و در مقابل، مطالب بسیار مهم و بزرگ اتفاقی، عادی و روزمره جلوه می‌کند؛ همچنان که رسانه‌های آمریکایی انتشار گسترده اخبار داخلی دولت خود را امری عادی و حتی آگاهی از آنها برای جهانیان ضروری می‌شمارند! جای شگفتی است که این اختلافها، اتهامها، تحریم‌ها و هزاران مورد از دخالت‌های دولت آمریکا در سیاست‌گذاری کشورها، از دیدر رسانه‌های خبری «مشارکت برای تأمین امنیت جهان» دانسته می‌شود و از سوی دیگر همیاری، کمک‌رسانی و ابراز همدردی دولت‌های ضد آمریکایی را دلیلی بر پشتیبانی از تروریسم و وجود چنین تضادهایی در رفتار رسانه‌ها، حتی در کشورهایی که باید یکدیگر خط‌مشی مشترک دارند، به پیدایش برخی اختلاف‌های انجامد.

صرف میلیون‌ها دلار برای برپایی کمیسیون‌ها و تأسیس مراکز پژوهشی با هدف بررسی نقش مطبوعات در جنگ‌ها و تأثیر آنها بر کاهش یا افزایش درگیری‌ها، نشان‌دهنده این اهمیت است. شبکه‌های خبری با صرف هزینه‌های گزاف و پذیرفتن خسارتها و تلفات همچنان به وظیفه خطیر خود ادامه می‌دهند و ناجایی بیش می‌روند که برخی شبکه‌های خبری، مطالبی را حتی پیش از دسترسی دولت‌ها به آنها بخش می‌کنند و در مواقعی با همین جنگ‌های مطبوعاتی، موجب بروز جنگ یا اختلاف میان دولت‌ها می‌شوند.

در این پژوهش، نمونه‌هایی از دیدگاه‌های رسانه‌ها، مراکز تحقیقاتی اروپا و آمریکا در مورد جنگ، تروریسم و رسانه ارائه شده است. پیشرفت علم و تغییر ماهیت اطلاعات تا آنجا

جنگ، تروریسم

و رسانه؛

با تأثیر بر نقش رسانه‌ها
در جنگ آمریکا و عراق

دکتر علی اصغر کیا

● بیشتر شبکه‌های خبری جهان یا حتی روزنامه‌ها بطور مستقیم از سوی دولت‌ها پشتیبانی می‌شوند؛ هر چند رسانه‌ها و انمودمی کنند که استقلال دارند. البته این نکته در مورد شبکه‌های دولتی و روزنامه‌های رسمی - دولتی يك کشور مصداق ندارد.

زیرا بیشتر شبکه‌های خبری جهان یا حتی روزنامه‌ها، به گونه مستقیم از سوی دولت‌ها پشتیبانی می‌شوند؛ هر چند رسانه‌ها و انمودمی کنند که استقلال دارند. البته این نکته در مورد شبکه‌های دولتی و روزنامه‌های رسمی - دولتی يك کشور مصداق ندارد. با این حال، آزادی قلم و شیوه بیان بی‌پروای اخبار همچنان ارجح و قرب‌ویژه دارد.

«رسانه‌های حرفه‌ای یا بطور کلی هم‌رسانه‌ها در سال‌های اخیر تاوان سنگینی در قبال تروریسم پرداخته‌اند. بسیاری از روزنامه‌نگاران در الجزایر، بالکان، کلمبیا، اسپانیا، فیلیپین و بسیاری از مناطق جهان مورد تعدی قرار گرفته‌اند، روبرو شده‌اند و نیز به قتل رسیده‌اند؛ بنابراین، شاید بهتر باشد که ساکت بمانند. اما در داختن به مسئله‌ها در تطابق رسانه‌ها تروریسم، توجه زیادی به این موضوع معطوف کرده است. آیا این رویدادهای تروریستی ویژه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، نشان دهنده تهدید تازه‌ای با هدف محدودسازی آزادی مطبوعات نیست؟

تروریسم و رسانه، موضوع کنفرانس آزادی مطبوعات بود که در سوم می ۲۰۰۳ در مانیل فیلیپین برگزار شد. در این کنفرانس با حضور رئیس جمهور آن کشور و رئیس سازمان فرهنگی هنری سازمان ملل متحد (یونسکو)، یادو خاطرۀ دانیل پرل (Daniel Pearl)، گزارشگر روزنامه آمریکایی وال استرییت جورنال زنده شد؛ گزارشی که کشته شدن او در فوریه ۲۰۰۲، شوک عظیمی به جامعه مطبوعات جهان وارد کرد و توجه آنها را بیش از پیش به خطرهای ناشی از مقابله با تروریسم بین‌المللی جلب کرد. شمار گزارشگرانی که در مناطق درگیری یا حتی جداگانه مورد حمله قرار گرفته‌اند، بسیار بالاست. بسیاری از اینان در تبادل آتش طرف‌های درگیر یا بر اثر انفجار مین‌های ضد نفر کشته شده‌اند. این آمارها را يك سازمان غیردولتی آفرانسوی به نام Reporters Sans Frontieres (RSF) ارائه کرده است. بسیاری از این روزنامه‌نگاران و گزارشگران به دست پلیس یا نیروهای امنیتی کشته می‌شوند. رشد آمار مرگ و میر آنها در همه جای جهان چیزی در حدود ۲۵ درصد است. برخی از طرف‌های این درگیرها عبارتند از: گروه جدایی‌خواه باسک (ETA)، بنیاد گریان مسلح الجزایر، گروه‌های پارتنرانی کلمبیا، گروه‌های شورشی سیرالئون و...

همچنین می‌گوید: «ما گروه فوق‌العاده‌ای از استادان با تجربه در این رشته در اختیار داریم.»^۲

باید افزود که تأثیر بسزای رسانه‌ها بر اذهان عمومی به هیچ وجه قابل چشم‌پوشی نیست؛ زیرا در بسیاری از مواقع این رسانه‌ها آورده‌اند که قیامی به راه انداخته‌اند یا از برخی رویدادها جلوگیری کرده‌اند. همچنین، پیدایش این ذهنیت در رسانه‌ها، به نظام سیاسی اجتماعی يك کشور مربوط می‌شود؛ زیرا این دولت‌ها هستند که از رسانه‌ها سودمی‌برند و نگاه همین رسانه‌ها حکومتی را بر اینداخته‌اند یا از سرنگونی آن جلوگیری کرده‌اند. قدرت رسانه‌ها به اندازه‌ای است که در سراسر جهان به عنوان مهمترین سلاح به کار می‌آیند. با توجه به عرق‌مائی انسانها، طبیعی است که نزد آنان اخبار و رسانه‌های ملی ارزش بالاتری نسبت به اخبار رسانه‌های خارجی داشته باشد و اشخاص اعتماد بیشتری به رسانه‌های ملی نشان دهند. این امر، گاه موجب تحریک مردم بر ضد قوم یا کشوری دیگر می‌شود؛ چنان که برای نمونه، حملات تروریستی بر ضد کشورهای یهودی‌نشین در سال‌های اخیر بسیار بالا گرفته است. دولت‌های بزرگ از رسانه‌ها چون ابزارهایی مخرب استفاده می‌کنند و مانی که مینمرا آماده کردند، به بهانه موجود تسلیحات و تروریست‌ها و... به اهداف خود می‌تازند. این در حالی است که پس از چاپ مطالبی بر ضد برخی دولت‌ها و تحریک آنها، کسانی خودسرانه یا با دستور شخص اول کشور، دست به کارهایی بر ضد آن روزنامه‌ها یا کشورهای می‌زنند و این بهانه‌ای است که دولت‌های بزرگ، با توجه به وظیفه رسانه‌هایشان، به آن دست می‌یابند. پس نمی‌توان به سادگی از نقش بسزای رسانه‌ها در جنگ‌ها، درگیری‌ها و حتی بهبود روابط دولت‌ها گذشت.

از آنجا که رسانه‌ها در رخ دادن برخی درگیری‌ها بی‌نقش نیستند، یکی از بزرگ‌ترین حامیان آنها را می‌توان شرکت‌های بزرگ اسلحه‌سازی دانست؛ همچنان که همین شرکت‌ها پشتیبان دولت آمریکا در حمله به عراق و افغانستان و نیز حامی دولت اسرائیل در ادامه دادن درگیری‌ها در فلسطین بوده‌اند.

این رسانه‌ها با صرف هزینه‌های گزاف و تحمل خسارهای سنگین نشان داده‌اند که تنها وظیفه‌شان اطلاع‌رسانی است، اما در اقتصاد، سیاست و بسیاری زمینه‌های دیگر نیز نقشی چشمگیر بازی کرده‌اند؛

بر پایه آمارهایی که «آر. اف. اس» داده است، ۱۷۶ تن از ۲۴۳ روزنامه‌نگاری که در مناطق درگیری بوده‌اند، در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱ کشته شده‌اند؛ اما جالب اینجاست که ۹۵ درصد از حمله‌های صورت گرفته به‌روزنامه‌نگاران بی‌مجازات مانده است. این ارقام را عبدالواحد خان معاون ارتباطات و اطلاعات یونسکو به دست داده است.

رویدادهای ۱۱ سپتامبر و در پی آن جنگ با تروریسم، موجب برجسته شدن نکته‌ای تازه درباره آزادی مطبوعات شد. در حالی که بسیاری کسان قوانین سختگیرانه در کشورهایمانند استرالیا، کانادا، قبرس، فرانسه، اوگاندا، عمان، آمریکا و اعضای اتحادیه اروپا و در خصوص تروریست‌نگاران را مناسب می‌دانند، در دیگر کشورهای تصویب قوانین در این زمینه سیر نزولی دارد!

حالا هوای ناامنی پس از ۱۱ سپتامبر و به تبع آن جنگ با تروریسم، فرصتی عالی برای محدود کردن هر چه بیشتر کانال‌های ارتباطی در اختیار دولت‌نهادهاست.

همچنین تدابیری برای تحدید اینترنت و کنترل پست الکترونیک صورت گرفته است که با اعتراض شدید گروه‌های محافظ و سازمان‌های غیردولتی طرفدار حقوق بشر روبرو شده است. اما محدود کردن آزادی مطبوعات در همین جایبان نمی‌یابد. گزارش ناظران حقوق‌روزنامه‌نگاران در انگلستان حاکی است که «اعمال و رفتار کارکنان و مأموران دولتی نیز بطور مستقیم و غیر مستقیم موجب یأس و دل‌سردی دست‌اندرکاران انتشار اطلاعات می‌شود.»^۵

وطن پرستان نیز می‌توانند مانع فعالیت مستقل رسانه‌ها و پرسش از عملکرد، تصمیمات و خط‌مشی دولت شوند. در ایالات متحده آمریکا برخی از اعضای فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران نخست خود را یک‌میهن پرست می‌دانند و سپس یک‌روزنامه‌نگار. در واقع، این تبلیغات، تمرینی است برای کاهش نقش و تأثیر رسانه‌ها و یزده در دوران جنگ.

حتی خودسانسوری که آشکارا به توانایی پرسشگری، کاوش و انتشار مطالب در رسانه‌ها آسیب می‌زند، در برخی موارد که ترس از بیان نظر‌ها و احتمال بره‌رو شدن با خشونت‌های انتقام‌جویانه وجود دارد، تنها راه به نظر می‌رسد.

ژان پل مارتوز (Jean - Paul Marthoz) دبیر اروپایی ارتباطات سازمان‌های غیردولتی و دیده‌بان حقوق بشر^۶ در کنفرانس یونسکو گفته است: «با وجود مخالفت مقتدرانه کسانی که مخالف آزادی قلم هستند، آزادی مطبوعات و آزادی بیان بسیار پیشرفت کرده است. البته، در مسائل حادث‌تروریستی و نظامی، دروغ و خودسانسوری همچنان و به همان صورت که در جنگ و یکنام و قیام‌های الجزایر وجود داشت، مشهود است و این در حقیقت ناشی از ضعف رسانه‌ها در برابر اقدامات نظامی و ضدبشری است. آن‌گونه که یک دریا نورد کشتی خود را در دریای طوفانی می‌آزماید، آزادی مطبوعات هم نیاز به آزمایش در قلب بحران‌ها دارد. بهتر است به هنگام آزمایش، شرایط اضطراب و تشویش زمان جنگ و بحران حاکم باشد تا از نتیجه کار خود به بهترین وجه باخبر شویم.»

در این کنفرانس دوروزه، لزوم بررسی فشار تروریسم بر رسانه‌ها و نیز مسائل دیگری در این زمینه مطرح شد که عبارت بود از: رویدادهای تروریستی ۱۱ سپتامبر و اثرهای آن بر آزادی مطبوعات و اطلاعات، موانع و مشکلات گزارشگری درباره تروریسم و افشای آن در همه‌اشکال، امنیت روزنامه‌نگاران شاغل در مناطق جنگی و نیز روزنامه‌نگارانی که موظف خود را افشای خطر تروریسم و خشونت در سراسر جهان می‌دانند.

در این کنفرانس که نمایندگان سازمان ملل و یونسکو، دیده‌بان حقوق بشر، سازمان‌های غیردولتی تخصصی، فدراسیون جهانی روزنامه‌نگاران، کمیته آزادی مطبوعات، کمیته محافظت از روزنامه‌نگاران و انجمن جهانی روزنامه‌حضور داشتند، استقلال رسانه‌ها نیز مورد بحث قرار گرفت و جایزه یونسکو که هر سال با نام جایزه آزادی مطبوعات داده می‌شود^۷ به جفری نیاروتا (Geoffrey Nyarota)، سردبیر تنها روزنامه مستقل زیمبابوه داده شد. و این، در واقع تقدیری بود از رسالتی بزرگ در جهت عکس؛ یعنی در حالی که تروریسم بر مطبوعات و رسانه‌ها اثر می‌گذارد، این روزنامه‌بر همه‌جریان‌های داخلی و درگیری‌های قومی در زیمبابوه اثر گذاشته است.

گرچه باید پذیرفت که شرایط بحرانی ناشی از جنگ و نیز ترس از اقدامات تروریستی نسبت به رسانه‌ها، بر روند کار آنها بی‌تأثیر نبوده است، اما همه کوشش‌ها در جهتی است که امنیت روزنامه‌نگاران و

● به گفته پروفیسور ویلکینسون، با وجود پایان یافتن جنگ سرد و استقرار یک صلح متزلزل در خاورمیانه، تروریسم همچنان جدی‌ترین تهدیدکننده کشورهای منطقه به شمار می‌رود و این شگفت‌آور نیست، زیرا مسائل پشت پرده‌ای چون مسائل قومی و مذهبی که از مدت‌ها پیش از دوران جنگ سرد سبب پیدایش تروریسم شده بود، همچنان حل نشده مانده است.

خبرنگاران در سراسر جهان حفظ شود و تعصبات قومی و حتی دینی و مذهبی، مانع دسترسی به این هدف نباشد.

این تهدیدها افزایش یافته و به جای رسیده است که دولت‌ها هم‌گانه بطور مستقیم در کار یک‌روز نامه یا یک شبکه تلویزیونی دخالت می‌کنند و آن را به کارهایی وا می‌دارند. «از جمله می‌توان به فشار دولت بریتانیا بر شبکه بی. بی. سی. برای عذرخواهی از تونی بلر نخست‌وزیر انگلستان اشاره کرد، زیرا دولت انگلستان به بهانه یافتن تسلیحات کشتار جمعی، به عراق حمله نظامی کرد پس از چندماه که نشانی از آن تسلیحات به دست نیامد، بی. بی. سی. یادروغگو خواندن نخست‌وزیر انگلستان، اظهار داشت که به آمریکا و انگلستان برای تسلسل بر منطقه و دسترسی به منابع اقتصادی، به عراق حمله کرده اند.»^{۱۱}

در بیشتر موارد، این فشارها روند کاری شبکه‌ها و روزنامه‌ها را هر اندازه هم نیرومند باشند، تغییر می‌دهد، زیرا به هر حال حفظ امنیت دولت و کشور از وظایف مهم رسانه‌های یک کشور است و فراتر رفتن از خدمت‌ممول برای رسانه‌ها پذیرفتنی نیست؛ همان گونه که امروزه، در آمریکا، بسیاری از روزنامه‌ها و شبکه‌های خبر به مخالفت با دولت بوش پرداخته‌اند؛ برای نمونه به برخی از مطالب آنها اشاره می‌شود: «روزهای وخیمی است که عمو سام برای جهانیان بهار مغان آورده است. ترور بسم برگ برنده جورج بوش پسر است. هفده ماه است که جهان، همانند یک طلسم سیاسی، گرفتار کابینه بوش شده است.»

پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، کاخ سفید حتی از بازرسان تروریسم که به عضویت کمیته ملی جمهوریخواهان (GOP) در آمده‌اند، بهره‌جست که به افزایش بودجه نظامی، توقف بر نامه‌های اجتماعی و محدود شدن آزادیها انجامید. مانند بیشتر اعضای کنگره آمریکا، بیشتر روزنامه‌نگاران آمریکا ترسو تر از آن هستند که کاری بکنند؛ تنها کتاب‌های بیان مطالبی نه چندان محکم و مستقیم، از این تندروی‌ها می‌گیرند.

این روزها «ترور» به یکی از اجزای اصلی اخبار رسانه‌ها تبدیل شده است. در نخستین هفته فوریه ۲۰۰۳ وزیر دادگستری ایالات متحده (John Ashcroft) در یک مصاحبه مطبوعاتی، آشکار اعلام کرد که حملات تروریستی به درجه بالاتری رسیده است.

روز بعد کابینه نتوانست خبر دریافت نوار سخنان اسامه بن لادن مراد اول تروریستی القاعده را پنهان دارد. کالین پاول (Colin Powell) وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا این نوار را پیش از آنکه حتی یک ثانیه از آن توسط شبکه الجزیره قطر پخش شود به کنگره آمریکا داد. چند روز بعد، سخنگوی کاخ سفید (Ari Fleischer) کاری کرد که به تقویت حلقه ارتباط القاعده و صدام حسین انجامید. او گفت: «اگر این همکاری نامقدس وجود داشت، ما امروز صدایی از ارتباط القاعده و رژیم صدام نمی‌شنیدیم و این کابوسی بود که مردم از آن وحشت داشتند.»

درواقع، این رویایی بود که بوش و کارگزاران دولت او مشتاق آن بودند تا شاید به این بهانه، قدرت خود را در منطقه خاور میانه بیشتر کنند. این مسئله همچنین یک گمان محتاطانه بود؛ زیرا در سخنان بن لادن بطور مشخص آمده بود که در نگاه او، صدام حسین یک کافر است.

در آخرین تبلیغات جنگ که نیروهای نظامی برای هر گونه حمله آماده می‌شدند، گروه بوش برگ جادویی و مورد علاقه‌اش را نشان داد و آن چیزی نبود جز «تروریسم»؛ واژه‌ای که به آسانی می‌تواند همگان را برتر ساند و رقابت سیاستمداران را محدود کند.

این مطلب نشان‌دهنده اوج تأثیر گذاری رسانه‌ها بر افکار عمومی و تروریسم است، زیرا «از ماه جولای ۲۰۰۲ (تیر ماه ۱۳۸۱) اخبار بازرسان تسلیحاتی و جنگ علیه عراق توسط رسانه‌های عمومی تمام کشورهای جهان آغاز شد و مردم را برای حمله قریب الوقوع آمریکا به عراق که در ماه مارس ۲۰۰۳ (اسفند ۱۳۸۱) صورت گرفت، آماده ساخت.»^{۱۲}

نظریه پردازان جنگ در پنتاگون و وزارت دفاع آمریکا، با بهره‌گیری از استراتژی «شوکه و ترس» (Shock and Awe) بهانه‌پر تاب‌موشک‌های خود به بغداد را به دست آوردند.

بسیاری از روزنامه‌های بریتانیا، این کار را تقبیح کردند، در صورتی که خود عملاً در خدمت دولت تونی بلر، متحد بزرگ آمریکا در جنگ عراق بودند. در مقابل، معدودی از روزنامه‌نگاران آمریکا، با یادآوری حادثه ۱۱ سپتامبر، آن را مجوزی برای قتل عام تروریست‌ها دانستند و این نمونه‌ای بارز از تفاوت میان روزنامه‌ها در کشورهای جهان است؛ تفاوتی که زیبرت (Siebert) در کتاب «چهار تئوری در زمینه

● نیروهای انگلیس و

آمریکا، با آگاهی کامل از نقش رسانه‌ها در جنگ، رسانه‌هایی را برای همراهی با خود در جنگ عراق برگزیدند که با آنها هماهنگ باشند و از سیاست‌های خبری‌شان پیروی کنند؛ از این رو، خبرهای جنگ را فقط چند رسانه‌ی مخاطب آمریکایی و انگلیسی منعکس می‌کردند.

نظام مطبوعاتی» (Four Theories of the Press) به آن اشاره کرده و تنها علت آن را تفاوت نظام‌های سیاسی در کشورها دانسته است.

وقتی تبلیغات سیاست را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، اخبار نقش بسیار مهمی در باز یابی قدرت از دست‌رفته سیاست‌بازی می‌کند، اما اکنون قدرت حیاتی و شریانی رسانه‌ها به آمریکا محدود شده است. اگر تصویری از حملات تروریستی را بر پرده تلویزیون ببینید، احساس خشم می‌کنید و این همان تأثیر دلخواه دولت آمریکا برای هماهنگ کردن مردم با هدف خود است.

آشکار است که سیاستمداران آخرین کسانی هستند که نخستین گام برای گفتگو در سراسر جهان بر می‌دارند و عجیب است که از عان می‌کنند تعداد کمی از روزنامه‌نگاران طرفدار اسلحه هستند. «پس منتظر نمائیم تا دیگران قیام کنند. اگر به دنبال ریشه‌کنی تروریسم هستیم، باید خود اقدام کنیم.»^{۱۲} این بحث‌گویان آن است که حتی روزنامه‌نگاران آمریکایی از کارهای رئیس‌جمهور خود شرمگین هستند و به انتقاد از این دولت پرداخته‌اند؛ اما آیا در حقیقت نیز به این نظر می‌بندند یا اینها تنها بخشی کلیشه‌ای برای نشان دادن نوعی آزادی قلم در آمریکا است؟ امروزه بیشتر مطالب انتقادی توسط کارگزاران دولت‌ها چاپ و ارائه می‌شود، زیرا تبلیغات منفی راه تازه‌ای است برای جلب نظر بیشتر شهروندان و رسیدن دولت‌ها به هدف‌هایشان؛ از این روست که حتی با چاپ این مطالب، خاورمیانه همچنان ناامن‌ترین منطقه جهان شناخته می‌شود. مگر این مطلب به اقدامات تروریستی دولت بوش اشاره ندارد؟ پس چرا برخی از نویسندگان و روزنامه‌نگاران همچنان اصرار دارند که پایگاه تروریسم در جهان را خاورمیانه و ایران بدانند؟ این همان دوگانگی‌هایی است که گذشته از نشان دادن آزادی قلم، در جهت منافع شخصی به کار گرفته می‌شود. مطلبی که در پی می‌آید، تناقض‌گویی‌های روزنامه‌های آمریکایی را بیش از پیش نشان می‌دهد: گذشته از پرداختن به جنگ سرد، پروفیسور ویلکینسون (Wilkinson) دورنمایی از تروریسم در جهان و بویژه در خاورمیانه ارائه کرده و به جهانیان نشان داده است. نشر این مطالب در رشته گزارش‌های (Center for Strategic and International Stud-

CSIS) (ies) نه به معنی تصدیق داده‌هاست، نه تأییدی بر دیدگاه‌های نگارنده.^{۱۳}

پروفیسور ویلکینسون در این گزارش به پنج عامل مؤثر در کاهش یا افزایش تروریسم پرداخته است. با وجود پایان یافتن جنگ سرد و استقرار یک صلح متزلزل در خاورمیانه، تروریسم همچنان جدی‌ترین تهدیدکننده کشورهای منطقه به شمار می‌رود و این شگفت‌آور نیست، زیرا مسائل پشت پرده‌ای چون مسائل قومی و مذهبی که از مدت‌های پیش از دوران جنگ سرد سبب پیدایش تروریسم شده بود، همچنان حل نشده مانده است.

نازمانی که اتحاد جماهیر شوروی از تروریسم پشتیبانی می‌کرد نظریه اصلی و آشکار این بود که تروریسم جهانی در دوران جنگ سرد توسط «سازمان اطلاعات و جاسوسی شوروی» (KGB) طراحی و اجرایی شود، اما با برافتادن حکومت کمونیستی-استبدادی شوروی، یکی از مهم‌ترین حامیان تروریسم جهانی از میان رفت.

تروریست‌ها که در برابر جنگ افسزارهای پر قدرت و گرانتی‌ت، نیازی به صرف هزینه زیاد ندارند، سلاح و تجهیزات نظامی‌شان را به تناوب از منابع گوناگون تهیه می‌کنند. به همه اینها جنگ طلبان و حامیان آنها را که در کشورهای پیشرفته غربی زندگی می‌کنند، بیفزایید. اخاذی‌ها، باجگیری‌های کلان و برخی دیگر از کارهای جنایتکارانه نیز بیشتر از سوی همین افراد حمایت می‌شود. رویهم‌رفته پایان جنگ سرد تأثیری منفی بر خشونت‌های سیاسی-بین‌المللی داشت. باز میان رفتن حکومت‌های یکدست کمونیست، اختلاف‌های نژادی که سال‌ها مسکوت مانده بود، زنده شد.

اروپای غربی

در اروپای غربی، جدایی خواهی ایرلند شمالی و ایالت باسک اسپانیا در شمار مسائل تاریخی می‌دانند که سرچشمه بسیاری از عملیات تروریستی خونین و طولانی بوده است؛ گرچه در ایرلند شمالی میان جمهوریخواهان استقلال طلب و طرفداران نظام پادشاهی همچنان آتش بس برقرار است.

دولت انگلیس، ایرلند، حزب دموکراسی و رهبر حزب کار «جان هیوم» (John Hume) اعتباراتی برای پیشبرد صلح در ایرلند اختصاص داده‌اند، اما بنیان

● اهمیت رسانه‌ها و تأثیر بسزایی که انواع آنها، بویژه روزنامه‌ها و شبکه‌های خبری-ماهواره‌ای و اینترنتی-بر سیاست‌گذاری دولتها دارند، جامعه پژوهشگری و خبری جهان را بر آن داشته است که با تأسیس پایگاه‌های گوناگون به تحقیق این زمینه بپردازند.

می‌رود.

در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم، درگیری‌های قومی در شبه جزیره بالکان برانگیزاننده بسیاری از عملیات تروریستی بود. ناراضیان سیک^{۱۵}، بیه‌های تامیل^{۱۶} و کشمیری‌های افراتی نیز در خارج از سرزمین‌های خود زیر بنایی محکم و اساسی برای تروریسم پدید آورده‌اند. این درگیری‌ها در افریقای جنوبی و مرکزی بسیار طولانی‌تر بوده است، اما تاکنون توجه چندانی به آن نشده است.

خاورمیانه

خاورمیانه منطقه درگیری‌هاست؛ منطقه‌ای که بی‌گمان از سال ۱۹۶۸ تاکنون صحنه ظالمانه‌ترین خشونت‌های تروریستی جهان بوده است.

باتوجه به جنگ‌های فلسطین و اسرائیل، درگیری‌های اسرائیل با اردن و سوریه و نیز کشتارهای بی‌وقفه در این سرزمین‌ها می‌توان گفت که این منطقه همواره بایزرگترین حملات تروریستی روبرو بوده است. اگر ترکیه و الجزایر را هم جزء خاورمیانه به حساب آوریم، این نکته بیشتر به چشم می‌آید، چرا که بزرگترین محرکان تروریسم بین‌المللی در این مناطق زندگی می‌کنند. آمارها حاکی است که ۲۱ درصد کل حملات تروریستی جهان در سال ۱۹۹۲ و نیز بیش از ۲۳ درصد این حمله‌ها در سال ۱۹۹۳ در این منطقه رخ داده است؛ اما از همه مهم‌تر نقش ایران در تروریسم بین‌المللی است؛ زیرا، نقش دولت این کشور در برخی حملات تروریستی ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی در بسیاری از نقاط جهان انکارناپذیر است. بدین سان، از نظر ناامنی، این منطقه در رتبه نخست قرار دارد.^{۱۷}

چنین است تناقض گویی‌های رسانه‌ای در کشوری که خود را پرچمدار آزادی قلم و مطبوعات می‌نماید. از یک سو دولت آمریکا به طور مستقیم جانی‌تکار به حساب می‌آید و از سوی دیگر، به طور غیرمستقیم، دولت ایران هدف حملات رسانه‌ها قرار می‌گیرد. روشن است مطالبی که به صورت غیرمستقیم بیان می‌شود، تأثیر بیشتری دارد و همین هدف رسانه‌های غربی است؛ زمینه‌سازی و آماده کردن اذهان برای اقداماتی که گاه‌وبی‌گاه بر ضد دولتهای اسلامی و مسلمانان صورت می‌گیرد؛ نداشتن حق ورود به ایالات متحده، تحریم‌های

آتش‌بس بسیار ضعیف و نارسیدن به ثبات دائم، مشکلات بسیار در پیش است.

اروپای شرقی

در اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی سابق، برکنار شدن حکومت کمونیستی بیدکاتوری، آتش بسیاری از کینه‌ها و اختلاف‌های قومی و مردمی را برانگیخت. نمونه‌ها و استثناها و برجسته‌ترین وضع، کشتارهای صرب‌ها در بوسنی و هرزگوین و دو نمونه کم‌اهمیت‌تر آن اختلاف‌های قومی در گرجستان و قره‌باغ^{۱۸} است. تلاش‌های اخیر ارتش روسیه برای متوقف کردن جدایی خواهان چین نیز یادآور این است که فدراسیون روسیه، آکنده از گروه‌های قومی و بومی است که می‌کوشند خود را از زیر سلطه دولت روسیه خارج کنند.

افریقا

بیشتر کشتارهای جمعی و درگیری‌های فاجعه‌بار در افریقا رخ می‌دهد. بر اساس نمودار کشتارهای جمعی در «روآندا» (Rwanda)، صدها هزار تن ناگزیر از فرار از شهر و دیار خود شده یا به دست دشمنان قبیله‌شان کشته شده‌اند. این جنگ‌های قومی‌نژادی گونه‌ای از جنگ افروزی غیر نظامیان مسلح است که با حملات وحشیانه به مردمان غیر نظامی انجام می‌گیرد. پیگیری سیاست‌های «پاکسازی قومی» و تهدید غیر نظامیان با تجاوز به ناموس، شکنجه و کشتار، سبب کوچیدن آنان از خانه‌هایشان می‌شود.

درگیری‌های قومی و نژادی عامل عمده خشونت‌های سیاسی در دوران جنگ سرد بود. هنگامی که قومی به نام دفاع از خود به فراهم کردن جنگ افزار و امکانات امنیتی می‌پردازد، قبیله‌های همسایه این اقدام را تهدیدی نسبت به خود می‌شمارند و اقدام به تربیت نیروی نظامی و افزایش قدرت خود می‌کنند؛ به این ترتیب، احتمال وقوع جنگی که از آن پرهیز دارند، بسی بیشتر می‌شود.

درگیری‌های بین‌المللی که به صورت تروریسم نمایان می‌شود، بستگی به شرایط استراتژیک سیاسی کشورها دارد. هنگامی که افراطی‌قوم با خطر توقیف شدن یا رانده شدن از موطن اصلی خود روبرو شوند، بویژه هنگامی که به اسلحه‌مواد منفجره دست یابند، احتمال گسترش دامنه تروریسم در جهان بسیار بالا

● تأثیر بسزای رسانه‌ها بر اذهان عمومی به هیچ وجه قابل چشم‌پوشی نیست؛ زیرا، در بسیاری از مواقع، این رسانه‌ها بوده‌اند که قیامی به راه انداخته‌اند یا از برخی رویدادها جلوگیری کرده‌اند. همسچنین، پیدایش این ذهنیت در رسانه‌ها به نظام سیاسی-اجتماعی یک کشور مربوط می‌شود؛ زیرا، این دولتها هستند که از رسانه‌ها سود می‌برند و گاه همین رسانه‌ها حکومتی را برانداخته‌اند یا از سرنگونی آن جلوگیری کرده‌اند.

اقتصادی، تحدید مبادلات تجاری و حتی حمله نظامی، مانند حملاتی که به افغانستان و عراق شد.

در مؤثر بودن کار کرد رسانه‌ها تردیدی نیست و همین رسانه‌ها گاه بر نامه‌ای در از مدت برای آماده کردن مردم و وفق دادن اذهان عمومی با آنچه در حال رخ دادن است، در پیش می‌گیرند: «تصویر خاورمیانه به گونه‌ای پخش شد که در همه کشورهای منطقه و ویژه در اطراف ایران، پرچم آمریکا نمایان بود و این نشان از آن داشت که آمریکا همه منطقه را می‌خواهد. پرچم آمریکا در سرزمین‌های ترکیه، عراق، افغانستان، پاکستان، کویت و نیز در همه کشورهای منطقه دیده می‌شد.»^{۱۸}

این تصویر که چند روز پیش از آغاز جنگ در افغانستان پخش شد، نشان می‌دهد که آمریکا، با استفاده از رسانه‌ها، برای حمله به عراق زمینه‌سازی کرده است و بهانه بودن دلیل آمریکا را مبنی بر اینکه دولت صدام تسلیحات کشتار جمعی داشته است، بیشتر نمایان می‌کند.

امروزه رسانه‌ها، بی‌پروا از گروهی دفاع می‌کنند یا سخت به آن می‌تازند. برای مثال: «در تصویر پخش شده از شبکه روتترز (Reuters)، پس از سوء قصد به جان سخنگوی گروه حماس فلسطین، شاهد بودیم که حتی لحظاتی پیش از برخورد موشک به خودرو وی، دوربین خبرنگار بر روی آن زوم شده بود.»^{۱۹}

آیا این خبرنگاران از حمله اطلاع داشته‌اند؟ پس چرا یک نفر هم در مورد این حمله از آنان بازخواست نکرد؟

به هر حال، نقش‌های متقابل رسانه و تروریسم انکارناشدنی است، آمار رسانه‌ها گاهی اوقات عاملی برای رسیدن تروریست‌ها به هدف به حساب می‌آیند.

در بخش پایانی این مقاله، به‌طور خاص به نقش رسانه‌های جمعی در جنگ عراق اشاره خواهد شد. البته این نقش را می‌توان در سراسر حلقه‌های آغاز جنگ، در حلقه جنگ و در حلقه پس از جنگ مطرح کرد.

مدت‌های پیش از آغاز جنگ فیزیکی، جنگ رسانه‌ای طرفین آغاز شده بود و هر یک می‌کوشید افکار عمومی را به سود خود و در جهت اهداف خاص خود هدایت کند. در زیر می‌توان به نمونه‌هایی اشاره کرد:

۱- آمریکا و انگلیس هر روز در بخش‌های خبری گوناگون شبکه‌های تلویزیونی و مطبوعاتی داخلی و

بین‌المللی پر مخاطب خود تأکید داشتند که عراق سلاح‌های کشتار جمعی دارد. این ادعای آمریکا و انگلیس چنان بالا گرفت که تونی بلر نخست‌وزیر انگلیس با تکیه بر هیاهوی خبری رسانه‌های همگانی متحدان خود در پارلمان مدعی شد که اگر به عراق حمله نشود، صدام حسین می‌تواند در کمتر از یک ساعت سلاح‌های کشتار جمعی خود را بر ضد منافع ملی اروپا و آمریکا فعال سازد. سرانجام، در این مرحله از بحران کمی توان آن‌را چنگر رسانه‌ای نامید، تونی بلر و بوش با کمک رسانه‌ها توانستند موافقت پارلمان‌های دو کشور را برای حمله نظامی به عراق جلب کنند.

رسانه‌های این کشورها، پیش از آغاز جنگ، با بزرگ‌نمایی جنایات ۳۵ ساله رژیم صدام حسین در عراق و از جمله حمله شیمیایی به حلبچه، توانستند تصویری هر چه منفی‌تر از حاکمان عراق به نمایش بگذارند، بی‌آنکه به نقش دولتهای متبوعشان در این جنایت‌ها بپردازند.

۲- پیش از آغاز جنگ، برخی از کشورهای اروپایی و آسیایی که با توجه به منافع بین‌المللی خود مخالف این حمله بودند، در شبکه‌های تلویزیونی و مطبوعاتی شان، خبرها و گزارش‌های مربوط به تظاهرات مخالفان جنگ را با بزرگ‌نمایی رایج می‌کردند و بخش‌های گوناگون خبری صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و برخی مطبوعات داخلی نیز همین سیاست را در پیش گرفته بودند.

۳- سیاست خبری و تبلیغاتی رسانه‌های جمعی مخالف جنگ به گونه‌ای بود که مخاطبان می‌پنداشتند همه جهان‌نیان یکپارچه مخالف جنگ هستند، در حالی که واقعیت این بود که برخی از کشورهای جهان به علت خودکامگی و جنایتهای صدام حسین، با حمله آمریکا به عراق موافق بودند؛ آمار رسانه‌های جمعی وابسته به کشورهای مخالف جنگ، واقعیت‌ها را تحت‌الشعاع تظاهرات مخالفت آمیز با جنگ قرار می‌دادند.

۴- در شرایطی که سعید الصالح وزیر فرهنگ عراق هر روز در برابر دوربین‌های تلویزیونی در بغداد مدعی می‌شد که نیروهای مؤتلف مناطق مسکونی و تجاری عراق را هدف می‌گیرند، رسانه‌های آمریکایی و انمودمی کردند که هوایماهای آمریکا و انگلیس فقط به مناطق نظامی و کاخ‌های صدام حمله می‌کنند؛ و وقتی نمایندگان شبکه‌های تلویزیونی مقیم عراق

● دولتهای بزرگ از رسانه‌ها چون ابزارهایی مخرب استفاده می‌کنند و زمانی که زمینه را آماده کردند، به بهانه وجود تسلیحات یا مبارزه با تروریست‌ها و... به اهداف خود می‌تازند.

شکست کشتورها تا اندازه زیادی در چارچوب سیاست‌های رسانه‌ای رقم می‌خورد و این رسانه‌ها هستند که پیروزی می‌آفرینند، شکست می‌سازند و افکار عمومی را به هر سو که بخواهند، هدایت می‌کنند. رسانه‌های جمعی، با سانسور، واقعیت‌ها را می‌پوشانند و موضوعهای غیر واقعی را بزرگنمایی می‌کنند و واقعی جلوه می‌دهند.

پی‌نوشت‌ها

۱. شبکه‌خبری Fox News، بنجم آوریل ۲۰۰۳.
2. C3M.com/history.htm
۳. منظور از رسانه در این پژوهش، بیشتر روزنامه‌ها و شبکه‌های خبری است.
- (Press, News Networks)
4. Non-Governmental Organization (NGO)
۵. سند شماره ۱۹
۶. فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران International Federation of Journalists (IFJ)
7. Human Rights Watch
8. World Press Freedom Prize (Gaillemo Cano)
۹. گزارش جشن سالروز آزادی مطبوعات/ Unesco.Org/ Press-freedom-day.htm
۱۰. روزنامه‌همشهری، ۱۳۸۲/۴/۷
۱۱. روزنامه‌همشهری، تیرماه ۱۳۸۱
12. http:// video. C- span. org: 8080/ramgen/jdrive/mj20703-50lomor.rm.
13. Security Department of CSIS
۱۴. منطقه ارمنی نشین در مرز بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان که دو کشور بر سر مالکیت آن اختلاف دارند.
۱۵. گروه مخالف دولت هندوستان
۱۶. گروه مخالف دولت سریلانکا
17. "Terrorism; motivation and cause", written by Prof. Wilkinson
۱۸. شبکه‌های TRTI و شبکه‌های تلویزیونی ملی ترکیه
۱۹. تصویرهایی که شبکه‌های INN در خردادماه ۱۳۸۲ نشان داده است.

منابع

۱. سایت اینترنتی ایران‌اوپا «سی.ان.ان» www.IRna.com
۲. بولتن‌های خبری ایران‌اوپا به جنگ آمریکا عراق www.CNN.com
۳. سایت فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران (International Federation of Journalists) www.IFJ.com
۴. گاستون بوتول، جامعه‌شناسی جنگ، ترجمه هوشنگ فرخجسته www.Unesco.org/pres/-freedom-day

صحنه‌هایی از حمله تیر و هوای مؤتلف به مناطق مسکونی و همچنین کشته شدن زنان و کودکان را به سراسر جهان مخابره کردند، این نیروها هتل الرشید محل استقرار خبرنگاران خارجی را هدف قرار دادند تا دیگر نتوانند صحنه‌های دلخراش را به جهان مخابره کنند.

۵. سعید اصحاف وزیر فرهنگ عراق از رسانه‌ها به عنوان تنها ابزار کارآمد رژیم عراق در جنگ استفاده می‌کرد و به گزاف، مدعی می‌شد که نیروهای مؤتلف در شهرهای عراق از نظامیان عراقی شکست خورده‌اند. وی چند روزی از این راه تو انست به اعتبار آمریکا و انگلیس در جهان آسیب‌پذیر ندوز مینه‌های متعددی برای مخالفت با جنگ در باره‌ای از نقاط جهان پدید آورد؛ هر چند دروغ‌هایش بزودی فاش شد و نامش به عنوان مایه خنده بر سر زبان‌ها افتاد.

۶. نیروهای انگلیس و آمریکا با آگاهی کامل از کارآمدی رسانه‌ها در جنگ، رسانه‌هایی را برای همراهی با خود در جنگ برگزیدند که با آنها هماهنگ باشند و از سیاست‌های خبری شان پیروی کنند؛ از این رو، خبرهای جنگ را فقط چند رسانه پر مخاطب آمریکایی و انگلیسی منعکس می‌کردند. آنها با نمایندگان رسانه‌های همگانی دیگر کشورها سخت‌برخورد می‌کردند و به آنان اجازه تهیه‌موار سال خبر، عکس و فیلم نمی‌دادند.

۷. آمریکایی‌ها با تأسیس چند مرکز اطلاع‌رسانی در قطر و کویت، سه‌هزار خبرنگار خارجی را از کشورهای گوناگون، به بهانه کمک به تهیه گزارش‌های جنگی گرد آوردند، اما فقط خبرهای سانسور شده هدایت شده در اختیار آنان گذاشتند؛ در حالی که به خبرنگاران مورد اعتماد خود اجازه دادند همراه نظامیان آمریکا در هر نقطه از عراق حضور یابند.

۸. مسئولان اطلاع‌رسانی عراق در آغاز جنگ، برای در هم شکستن روحیه تیر و هوای مهاجم و شهروندان آمریکایی و انگلیسی، با استفاده از رسانه‌های جمعی، اقدام به پخش تصویر اسیران و اجساد سربازان آمریکایی و انگلیسی در سراسر جهان کردند که این اقدام نیز مشکلاتی برای زمامداران آمریکا و انگلیس در صحنه داخلی پدید آورد و تا اندازه‌ای به مخالفت با جنگ دامن زد.

در مجموع باید یاد آور شد که در عصر ارتباطات، جنگ‌ها، با جنگ رسانه‌ای آغاز می‌شود، با جنگ رسانه‌ای ادامه می‌یابد و پایان می‌پذیرد. پیروزی و

● آمریکایی‌ها با تأسیس چند مرکز اطلاع‌رسانی در قطر و کویت، سه‌هزار خبرنگار خارجی را از کشورهای گوناگون به بهانه کمک به تهیه گزارش‌های جنگی، گرد آوردند، اما فقط خبرهای سانسور شده و هدایت شده در اختیار آنان گذاشتند؛ در حالی که به خبرنگاران مورد اعتماد خود اجازه دادند در هر نقطه از عراق حضور یابند.